جوان مسلمان ايرانى در عرصه ى الگو دهى(2)

فاطمه وثوقى

ضرورت تغذيه ى سالم در كسب علم و عمل

همان گونه كه تغذيه ى سالم و مقوى در ساختار بدن اثر معجزه آسايى دارد, تغذيه ى فكرى و روحى نيز دست كمى از آن ندارد و بلكه بالاتر از آن نيز مى باشد. قرآن مى فرمايد: ((فلينظر الانسان الى طعامه));(1) ((انسان بايد به غذاى خويش بنگرد)).

نزديك ترين اشياى خارجى به انسان غذاى اوست كه با يك دگرگونى جزو بافت وجود او مى شود و اگر به او نرسد به زودى راه فنا را پيش مى گيرد و به همين دليل قرآن از ميان تمام موجودات روى زمين به مواد غذايى, آن هم موادى كه از طريق گياهان و درختان... عايد انسان مى شوند تكيه كرده است. روشن است كه منظور از ((نگاه كردن)) تماشاى ظاهرى نيست, بلكه نگاه به معنى دقت و انديشه در ساختمان اين مواد غذايى و اجزاى حيات بخش آن و تإثيرات شگرفى كه در وجود انسان دارد و سپس انديشه در خالق آن هاست)).

در بعضى روايات كه از معصومين نقل شده نيز آمده است كه منظور از ((طعام)) در اين جا (علم و دانش) است كه غذاى روح انسان است, بايد بنگرد كه آن را از چه كسى گرفته؟ از جمله از امام باقر (ع) نقل شده است كه در تفسير اين آيه فرمود: ((علمه الذى ياخذه عمن ياخذه))(2) امام (ع) علم را به جاى غذا در بيان خود جايگزين فرموده اند. در جايى انسان بايد به غذاى جسمانيش دقيق شود, كه در غذاى روحانى خود نيز دقت (وسواس) به خرج دهد (اگر سر چشمه ى تغذيه پاك و استاندارد باشد) افكار و راهنمايى هاى صحيح و مفيد نيز ثمره ى آن خواهد بود. اگر نگاهى عميق به زندگى, رفتار وسيره ى رسول خدا (ص) و فرزندان بزرگوارش بياندازيم, آثار تغذيه ى سالم را در آن بزرگواران به روشنى و آشكارا خواهيم ديد.

غذايى كه روح انسان را به اسارت بگيرد و ارزش انسانى را از او بگيرد, خود زهرى كشنده است. انسان فطرتا آزاد خلق شده و حريت طلب است, اما اگر روح و جسم با هم آزاد نباشند, از دست جسم (آزاد) و تنها كارى ساخته نيست.

به دنبال روح سالم نشاط فكرى و كارى به وجود مىآيد و هرگاه تفكر سالم شد, با نشاط شد, انوار ترقى و تمدن وجود انسان, زندگى, جامعه و... را نورافشانى مى كند و در سايه ى اين نورافشانى آن چه كه به زيان جوان كمال طلب است از آن حذر مى نمايد به عنوان مثال زرق وبرق هاى اطرافش چشم بصيرت او را كور نمى كند. غذاى مسموم و به ظاهر آراسته و فريبنده ى نشريات و جرايد او را نمى فريبد.

در يكى از پرتكل هاى حكماى يهود چنين آمده است: روزنامه نگارى يكى از منابع سرشار فرهنگى است ولى چون دولت ها نتوانسته اند از آن به طور شايسته استفاده كنند, سرانجام به دست ما افتاد و ما به وسيله ى آن افكار خود را در اذهان مردم توانستيم بگنجانيم.))(3) در جايى ديگر آمده: ما بايد عقيده ى (خداپرستى) را از اذهان مردم بيرون كرده و آن ها را به سوى ماديت سوق دهيم. براى آن كه ملت هاى غير يهودى متوجه سياست پشت پرده ى ما نشوند بايد آن ها را به كارهاى صنعتى و تجارتى و... سرگرم كنيم تا به دشمن مشترك خود پى نبرند و نيز مى گويند: ((سر منشا هر ارعاب و نگرانى ما هستيم.))(4)

اگر تغذيه ى روح و فكر مسموم باشد خطرات جبران ناپذيرى را در پى خواهد داشت. در طول تاريخ همواره كسانى به ملت و ميهن خود خيانت كرده اند كه از تغذيه ى ناسالم برخوردار بوده و چشم بصيرتشان به روى حقايق بسته شده و ملت خود را قربانى هوس هاى زود گذر خود كرده اند و تمام افتخارات و فرهنگ غنى كشور خود را در زير خاك هاى جهالت و فرو مايگى پنهان كرده اند.

بنابر اين آن چه كه انسان را قوى, آزاد, مقتدر, مخترع,... مى گرداند به بركت منبع تغذيه ى سالم واستاندارد مى باشد كه در عصر حاضر اين منبع تغذيه جز فرهنگ اسلامى چيز ديگرى نمى باشد. سفارش بزرگان همواره در جهت منافع انسان ها بوده و شايسته است جوانان عزيز توصيه ى بزرگان دينى و ملى را سر لوحه ى برنامه هاى خود قرار دهند. در اين رابطه امام راحل(قدس سره) مى فرمودند: ((جوانان ذخاير فوق الارضى ما هستند و توصيه مى كردند: ((راه اصلاح يك (ملت) مملكت, فرهنگ آن مملكت است. اصلاح بايد از فرهنگ شروع شود...)) بنابراين يك ضرورت احساس مى شود كه جوانان وطن خود را در برابر تهاجم فرهنگى, با فرهنگ غنى اسلامى و اكسينه نمايند. چرا كه در عصر حاضر نه ((ايسم ها و نيسم ها)) نتوانستند راه نجات به سوى بشر باز كنند و نه آخرين راه كار (پست مدرنيسم) توانسته است كارى بكند. امروز تمام آگاهان جهان چشم اميد به سوى اسلام دوخته اند نيروى مذهب نيرويى است كه هيچ جايگزين ندارد به ويژه مكتب اسلام.

(هيتلر) معتقد است: اصول مذهب و معتقدات ملى اگر سست باشند بدون آن كه عقيده اى معادل آن در جايش قرار دهند, با از دست رفتن عقايد مذهبى, تزلزل خاطر جاى آرامش و ايمان را گرفته و پايه هاى زندگى اجتماعى را متزلزل مى سازد. عقايد مذهبى داراى امتيازاتى است كه آدمى را از بسيارى از آلودگى ها جدا نگاه مى دارد. ايمان يك آلت نيرومندى است كه گره ها را مى شكافد و راه شناخت مفاهيم فلسفى را باز مى كند)) (5) ((فاعتبروا يا اولى الابصار.))

بهترين و اولين و آخرين راهكار را اسلام براى انسان ها به ارمغان آورده است. هرگاه مسلمان ها به دستورات نجات بخش اسلام عامل باشند روى سعادت را خواهند ديد. امروز مى بينيم جهان غرب يا اروپا با آن همه پيشرفت علمى و تكنولوژى در مورد امنيت روانى و آرامش نسبى جامعه ى خود درمانده هستند, هر چند كه ادعاى مدافع حقوق بشر بودن هم دارند و به ظاهر كارهايى را به نفع بشر انجام مى دهند, اما اين بشر را خدا خلق كرده او بهتر مى داند حقوق بشر چه چيز است و چگونه بايد براى بشر قانون زندگى تنظيم كند نه غرب. در يكى از نشريات آمده بود, وزير وقت سوئد گفته بود: ما بيست سال پيش طبق نظريه ى (فرويد) يك اشتباهى را انجام داديم حالا بايد چهل سال كار كنيم تا بتوانيم آثار آن اشتباه را جبران كنيم.

امروز آن چه كه غرب و شرق را آزار مى دهد به ويژه غربيان را, بحران معنويت است كه از درون تهى شده اند و آن چه كه به عنوان ثبات نسبى در كشورهاى اسلامى به چشم مى خورد در سايه ى معنويت است ولو كم رنگ. امام صادق (عليه السلام) مى فرمايد: ((نفس خويشتن را با خواهش هاى گوناگون آزاد مگذار زيرا همان تمايلات آزاد و ناروا باعث سقوط و هلاكش خواهد شد.))(6)

انرژى حاصل از معنويت نيرويى است كه هيچ گاه رو به تحليل نمى رود و كاستى ندارد, مگر آن كه مستمر نباشد. در جهان امروز با توجه به پيشرفت عظيم علمى و صنعتى و..., آن چه كه انسان ها را به عزت و بزرگ منشى دعوت مى كند و مايه ى آرامش خاطر آن هاست, مذهب است كه عامل حركت به سوى مبدا و خالق هستى است.

در خود امريكا تعداد كثيرى بودايى و هندو به تجديد حيات معنوى پرداختند و... كه همه ى اين ها براى غرب خطرآفرين و نگران كننده است و يا سياهان امريكا كه مسلمان هستند, اقدامات مذهبى آنان براى غرب مايه ى دردسر است. نيروى معنوى با هر عنوان كه باشد, عامل حركت در جهت منافع ملت هاست و مايه ى بيدارى و نجات آن هاست و حتى به عنوان هويت ملت ها شناخته شده است.

(ساموئل هانينگتون) نظريه پرداز معروف امريكايى معقتد است: ((كه در بسيارى از نقاط جهان (مذهب) آن هم به صورت جنبش هاى بنيادگرا لقب گرفته و در جهت پر كردن خلا هويت حركت كرده است.))(7)

همين معنويت بود كه جوانان برومند ايرانى را به جبهه هاى حق عليه باطل كشاند و مايه ى شگفتى جهانيان شد. (عدنان خيرالله) از فرماندهان بزرگ عراقى گفته بود: ((ما اگر چنين ارتشى داشتيم دنيا را فتح مى كرديم)). بعد از پايان جنگ عده اى در امريكا جلسه گرفتند و بحث سر اين بود كه مساله ى بين ما و ايرانيان, مساله ى توازن قوا نيست, آن چه بين ما مطرح است مساله ى معاد است كه براى مردم ايران اين مساله حل شده ولى براى سربازان ما حل نشده و لذا از مرگ مى ترسند و استقامت جدى نمى كنند و پس از آن به اين فكر افتادند كه چاره اى بيانديشند كه اين عامل حركت از جوانان ايرانى گرفته بشود... و بعد از آن مى بينم هجمه ى دشمن در قالب تهاجم فرهنگى شدت يافته است (من آن چه شرط بلاغ است با تو مى گويم).

محور دوم ـ آسيب شناسى در ابعاد گوناگون

در مسير حركت از اقيانوس هستى علاوه بر داشتن معلومات و ابزار و اسباب مورد نياز در مسير مورد نظر, شناسايى مسير و مشكلات و موانع موجود و يا احتمالى نيز يكى از اركان مهم اين سفر است. آسيب شناسى در هر مقطع و هر زمينه كمك هاى موثرى در جهت پيشبرد اهداف به انسان مى كند, به ويژه هنگام عبور از مسيرى كه ناشناخته و يا صعب العبور باشد.

آسيب شناسى درصد شكست يا موفقيت را رقم مى زند. بنابراين در عصر حاضر براى انجام هر پروژه يا مديريت و مسووليت يا پست هاى كليدى, ابتدا به شناسايى و كارشناسى در آن زمينه مى پردازند تا در محاسبات و برنامه ريزىها و حتى در تصميم گيرىها امداد گر آن ها باشد, تا بدين وسيله از ضرر و زيان احتمالى جلوگيرى كرده باشند. بنابراين بر جوانان عظيم الشان مسلمان ايران لازم است كه در جهت رشد و تعالى و نيل به اهداف بزرگ خود در حوزه ى مسووليت علاوه بر علم و آگاهى كسب مهارت هاى مورد نياز به سلاح آسيب شناسى نيز مسلح باشند و بدين طريق راه رسيدن به امنيت و آرامش روانى جامعه را هموار نمايند.

اول بايد تعريفى از (آسيب) را بدانيم تا بتوانيم محدوده ى آن را معين و مشخص نماييم.

آن چه كه از آسيب در لغت نامه تعريف شده بدين ترتيب است (آزار, گزند, درد, رنج, صدمه...). بر اساس اين تعاريف هر چيزى كه مانع حركت و موفقيت انسان باشد, بايد در جهت رفع و دفع آن كوشيد. چه بسا خواسته هاى غير معقول و هوس هاى زودگذر نيز آسيب به شمار مىآيد. بر انسان هاى فرهيخته لازم است كه با درايت و تدبر در امور بهترين و مطمئن ترين آن ها را انتخاب نمايند.

مولاى متقيان مى فرمايد: ((چه بسا لذت كوتاه و شهوت زود گذر غصه هاى درازى به دنبال مىآورد و اندوه فراوان در بردارد))(8) و نيز فرمودند: ((كسى كه عارف به مقتضيات زمان است و از دگرگونى هاى پى گيرش آگاهى دارد, شايسته است هرگز خويشتن را از تحولات و تغييرات اجتناب ناپذيرش در امان نداند.))(9)

با توجه به فرمايش گوهر بار امام (قدس سره) بايد كوشيد تا خطرات و آسيب ها به حداقل برسد و تلفات كمتر باشد.

امروز آن چه كه به نام (تهاجم فرهنگى) در تمام كشورها به ويژه در كشورهاى اسلامى قربانى مى گيرد و مايه ى دردسر و ننگ جامعه ى اسلامى شده, ناشى از عدم آسيب شناسى در آن جوامع و ملت ها بوده است و مايه ى شگفتى و تاسف است كه با وجود حد و مرز جغرافيايى براى كشورها, جهت حفظ و حرمت و حاكميت كشورها, متاسفانه در مقابل تهاجم فرهنگى هيچ حد و حدود مرزى قايل نشده اند و عواملى چون ماهواره ها و امثال ذلك بدون حساب و كتاب و هيچ محدوديتى در اختيار مردم به ويژه جوانان گذاشته شده است. خسارت هاى قابل ملاحظه اى به كشورها تحميل شده است. آيا خود مردم مقصر هستند يا صادر كنندگان آن برنامه ها؟؟

امير مومنان مى فرمايند: ((هر كس به شرايط و لوازم حريت عمل كند شايسته آن است و هر كس در انجام وظايف و مقررات آزاد كوتاهى نمايد, به ذلت و بردگى بر مى گردد. ))(10)

هر جوان مسلمان بايد خود به فكر سلامتى خود باشد كه اين سلامتى فردى (مراعات بهداشت فردى) قطعا به جامعه نيز انتقال پيدا خواهد كرد. هرگاه جوانى كه مى بايست مخترع و مكتشف مى شد, در اثر عدم توجه و آگاهى به جايگاه والاى خود, خود نيز با دشمن قسم خورده براى سرنگونى خويشتن همكارى نمايد, در اين صورت اميدها به يإس و آمال و آرمان ها بر باد رفته محسوب مى گردد.

بعد از پيروزى انقلاب اسلامى به دست توانمند مردم بزرگ ايران كه جوانان در آن سهم بسزايى داشتند و دارند براى حفظ اين حركت عظيم و اين سنگر فتح شده مى بايست هيچ وقت از دشمنان دين و آيين غافل نبود. دشمنى كه دين و مكتب آن را بر زمين كوبيده, هيچ وقت با دين سرسازش نخواهد داشت.

امام محمد تقى(عليه السلام) مى فرمايد: ((كسى كه به سخن گوينده اى گوش فرا دهد با اين عمل وى را بندگى كرده است. اگر گوينده ى سخن از خدا مى گويد او خدا را بندگى كرده و اگر ناطق از زبان شيطان و افكار شيطانى سخن مى گويد, شيطان را بندگى نموده است.))(11) جوان ايرانى نبايد از اين مساله غافل باشد كه اين همه برنامه هاى گوناگون و فريبنده در قالب فيلم, ماهواره, سى دى, بازىهاى كامپيوترى و امثال آن ها همه بسان بمب شيميايى عمل مى كند. هم چنان كه در جبهه هاى حق هرگاه دشمن درمانده از پيروزى و غلبه ى سپاه اسلام مى شد به بمب شيميايى پناه مى برد تا جلوى حركت سريع را بگيرد. در زمينه ى استحاله ى فرهنگى نيز دست به چنين اقدامى زده است.

على(عليه السلام)مى فرمايد: ((كسى كه تو را به مطالب باطل خشنود سازد و به بازى و سخنان غير واقعى گول بزند او حقايق را از تو پنهان داشته و درباره ات خيانت كرده است.))(12)

چه زيبا فرموده امام(قدس سره): اگر همان ها كه در قالب دوست با ما سخن مى گويند و براى جوانان ما دلسوزى مى كنند و مى خواهند جوانان ايرانى در كمال خوب و خوشى و با نشاط به سرببرنند, چرا راز و رمز تكنولوژى پيشرفته ى خود را در اختيار جوانان مقتدر ايرانى قرار نمى دهند و تنها از اين دلسوزى فريبنده بازىهاى كامپيوترى كذايى و مجلات و نشريات منحرف كننده وباز دارنده از فعاليت و... نصيب جوانان ايران شده است.

اسلام به ما اجازه نمى دهد آلت دست اجانب قرار بگيريم و زنجير ذلت را خود به دست و پاى خود بزنيم. شعار هميشه جاويد امام حسين(عليه السلام) ((هيهات منا الذله)) تكليف ما را روشن و معين كرده است.

امروز ترويج مصرف گرايى, تجمل گرايى, دل مشغولى و ترويج آن چيزى كه دشمنان دين براى انحراف جوانان اسلام تدارك ديده اند همكارى با كسانى است كه خواهان ايرانى عقب مانده و وابسته و شكست خورده هستند.

قرآن كريم مى فرمايد: ((انما ينهيكم الله الذين قاتلوكم فى الدين)); ((و شما را از دوستى كسانى نهى مى كند كه در دين با شما قتال كرده اند و بلكه ما را دعوت به جهاد با آن ها مى كنند)).

((واعدوا لهم ما استطعتم من قوه)); ((شما (اى مومنان) در مقام مبارزه با آن كافران خود را مهيا كنيد)). تا آن حد كه بتوانيد: ((ومن رباط الخيل ترهبون به... )); ((از آذوقه و تسليحات و آلات جنگ و اسبان سوارى براى تهديد و تخويف دشمنان خدا و دشمنان خودتان كاملا فراهم سازيد و بر قوم ديگرى كه شما بر دشمن آنان مطلع نيستيد (مراد منافقانند كه ظاهرا مسلم وباطنا كافرند) و خدا به مكر و دشمن آن ها آگاه است, نيز مهيا باشيد و آن چه در راه خدا (واحياى دين خدا) صرف مى كنيد خدا تمام به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.))(13)

با توجه به محتواى آيه ى شريفه امكانات دفاعى امروز بايد اعم از فراگيرى علوم جديد و فن آورىهاى جديد و پيشرفته باشد به طورى كه به قول قرآن, دشمنان در هراس بوده و آرامش خود را از دست بدهند نه اين كه آن ها كارى بكنند كه از جانب ما مطمئن باشند كه هيچ تعرض و خطرى از جانب ما آن ها را تهديد نمى كند و نخواهد كرد.

دوستى تعريف مى كرد, يكى از اقوام ما كه به آلمان سفر كرده بود و در آن جا براى خريد برخى لوازم آرايشى كه در ايران براى آن ها تبليغ مى شود, رفته بود و در كمال ناباورى با كمياب يا نايابى آن لوازم روبه رو شده بود و آن چه باعث تعجب ايشان شده بود اين مسإله بوده كه زنان آلمانى به اندازه ى زنان ايرانى توجه به آرايش كردن نداشتند و بلكه اغلب داراى مدارج و مدارك علمى بالايى بودند و همين امر باعث شده بود كه آن خانم روشن فكر به فريب كارى كسانى كه با روانه كردن سيل كالاهاى مصرفى و تجملى و مشغول كردن مردم ايران به ويژه جوانان پى ببرد و نه تنها ديگر به دنبال لوازم كذايى نبوده بلكه خود و خانواده اش تشويق به فراگيرى زبان (خارجى) جهت بالا بردن سطح علمى خودشان شده اند.

راه مقابله در پى آسيب شناسى

يكى از راه هاى مقابله با خطرات و خسارات وارده از سوى دشمن مقابله به مثل و بلكه بالاتر از آن است به عنوان مثال توليد بهتر و انبوه داخلى و ترويج آن (تا بدين وسيله جايگاه كالاهاى خارجى مخدوش گردد) و مصرف بهينه و بجا و احياى ارزش هاى اسلامى و جبران مافات.

خبرنگار راديو و تلويزيون آلمان غربى در مصاحبه اى از امام راحل(رحمه الله) پرسيد: در اروپا تحركى جديد به چشم مى خورد كه يك تحرك مذهبى است كه قبل از اين آن تحرك وجود نداشته. اين تحرك را چگونه ارزيابى مى كند؟ امام فرمودند: ((آن تحرك مذهبى از اين است كه مردم از پيشروى مادى سرخورده اند و ديده اند كه تمام اين پيشرفت هايى كه شده چيزى نيست كه براى بشر آرامش بياورد, بلكه بيشتر زندگى آن ها را تباه كرده است, آن چيزى كه آرامش مىآورد مذهب است. در امور مادى اين آرامش نيست)) .

تمايل به دنيا گرايى در هر قالبى كه باشد, آفت زندگى سالم و توام با آرامش واقعى است. در روايات اسلامى نيز بدان اشاره شده كه حب دنيا سردسته ى همه ى خطاهاست. هنگامى كه خود خواهى, رفاه طلبى و بى دردى در ميان ملتى حاكم شد, ايثار و مهربانى و گذشت و همدلى, تعاون و صفا و صميميت فدا مى شوند و در پى كم رنگ شدن ارزش هاى واقعى اركان وحدت و انسجام به سستى مى گرايد و راه را براى ورود دشمن قسم خورده هموار مى نمايد. اين در حالى است كه دشمنان ما هيچ گاه از ياد ما غافل نبوده و در پشت پرده ى سياست دست يكديگر را به گرمى مى فشارند. در دنياى مترقى و مدعى تمدن آن چه برايش بهايى قايل نيستند جان و مقام انسان هاست و تنها از انسان ها به عنوان ابزار ترقى استفاده مى كنند, توليد بيشتر و مصرف بيشتر!! در يك چنين موقعيتى تنها راه نجات و دست يابى به پيروزى تمسك به قرآن شريف است كه بهترين و آسان ترين خط مشى زندگى را به انسان آموخته و سعادت واقعى آنان را نيز تضمين كرده است. هرگاه جوان مسلمان به آسيب شناسى قرآن كريم توجه داشته باشد و فراز و نشيب ها را بشناسد مطمئنا در زندگى دچار اشتباه و خسران نخواهد شد. قرآن مى فرمايد: (( يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الكافرين اوليإ من دون المومنين اتريدون ان تجعلوا لله عليكم سلطانا مبينا));(14) ((اى اهل ايمان مبادا كافران را به دوستى گرفته و مومنان را رها كنيد آيا مى خواهيد خدا را بر (عقاب و عصيان) خود حجتى آشكار گردانيد)). در آيه ى ديگر چنين هشدار مى دهد: (( يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى اوليإ بعضهم اوليإ بعض...)); ((اى اهل ايمان يهود و نصارى را كه دشمن اسلامند به دوستى مگيريد آنان بعضى دوست دار بعضى ديگرند و هر كه از شما مومنان با آن ها دوستى كند (در كفر و ستمگرى) به حقيقت از آن ها خواهد بود و همانا خدا ستمكاران را هدايت نخواهد نمود.))(15)

اين هشدارهاى بزرگ قرآن آن هم در سوره ى مائده كه جز آخرين دستورات الهى مى باشد, دليل واضح و مهمى در جهت دورى از دشمنان شناخته شده و بى رحم اسلام است كه در عصر حاضر ما به وضوح ستمگرى آنان را در حق همه ى ملت ها مى بينيم. يهود (صهيونيسم) امروز هم اقتصاد و هم فرهنگ و هم سياست كلى جهان را مى گرداند و شخصيت انسانى ملت ها را به تسخير گرفته و به هيچ اخطارى و نصيبى اعتنا نمى كند. قرآن در اين زمينه مى فرمايد: ((يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزوا ولعبا));(16) ((اى اهل ايمان با آن گروه از اهل كتاب و كافران كه دين شما را به فسوس و بازيچه گرفتند دوستى مكنيد (و از آنان نترسيد), از خدا بترسيد اگر به او ايمان آورده ايد.)) امروز سردمداران كفر در اسراييل تمام سران جهان را به مسخره گرفته اند و به هيچ اصولى پايبند نيستند.

اين آيه ى شريفه تمام راه هاى بهانه را براى مسلمين مى بندد كه ديگر به فكر هيچ گونه رابطه, اعم از تجارى و سياسى و غيره با كسانى كه دشمنى تمام عيار با مسلمين دارند بيافتند, مى فرمايد: ((لتجدن اشد الناس عداوه للذين امنوا اليهود والذين اشركوا...));(17) ((همانا محققا دشمن ترين مردم نسبت به مسلمانان, يهود و مشركان را خواهى يافت و با محبت تر از همه كس با اهل ايمان آنان را كه گويند ما نصرانى هستيم,اين دوستى نصارى نسبت به مسلمين بدين سبب است كه برخى از آن ها دانشمند و پارسا هستند و آن ها تكبر و گردن كشى بر حكم خدا نمى كنند.)) خداوند در اين آيه ى شريفه تكليف همه ى اهل ايمان را روشن كرده و خوبان آن ها را نيز استثنا فرموده است. ديگر با اين لحن بلند در قرآن آيه اى پيدا نمى شود كه به مسلمان ها هشدار جدى بدهد كه با يهود (صهيونيسم امروز) بخواهند تحت هر عنوان و يا بهانه اى راه مسالمتآميز پيش بگيرند. قرآن شريف در آيه اى ديگر راه احتمال شبه را نيز بسته مى فرمايد: ((لن ترضى عنك اليهود و لاالنصارى حتى تتبع ملتهم...))(18); ((هرگز يهوديان و نصارى از تو راضى و خشنود نخواهد شد مگر آن كه پيروى از آيين آن ها كنى.)) به اين معنا كه اگر امروز كسانى بخواهند از راه تساهل و تسامح حق سكوت به آن ها بدهند كه دست از سر ما بردارند چنين نخواهد شد. (لن) در زبان عربى براى نفى ابد است. هرگز تحت هيچ شرايطى آن ها با ما ميانه ى خوبى نخواهند داشت, كه قرآن شريف آسيب شناسى كرده و راه هاى مقابله را به ما ياد داده كه اگر سر لوحه ى زندگى خود قرار دهيم هيچ خفت و ذلتى ما را تهديد نخواهد كرد و اگر نه هر آن چه بر سر ساير ملت ها آمده بر سر ما نيز خواهد آمد.

پى نوشت ها

1. عبس/24.

2. تفسير نمونه ذيل آيه ى فوق.

3. دنيا ملعبه ى دست يهود, آيه الله محمد شيرازى(رحمه الله), ص 144.

4. دنيا ملعبه ى دست يهود, آيه الله محمد شيرازى(رحمه الله), ص 150.

5. ادلف هيلتر, نبرد من, ج 1, ص 270.

6. حديث تربيت جوان, از سخنان ائمه (عليهم السلام), ص 67.

7. مجموع مقالات, سالگرد بزرگداشت امام (قدس سره), ج 3, ص 450.

8. حديث جوان, سابق, ص 63.

9. حديث جوان, سابق, ص 104.

10. حديث جوان, سابق, ص 129.

11. حديث جوان, سابق, ص 135.

12. حديث جوان, سابق, ص 135.

13. انفال/60.

14. نسإ/144.

15. مائده/51.

16. مائده/57.

17. مائده/81.

18. بقره/120.